



Types and Uses of Clerics and Merchants' Endowments in Sari Region (Mazandaran) in the Qajar Period

Farshid Noroozi¹ | Jamshid Noroozi²

Abstract:

Purpose: The purpose of this research is to define the effect of class affiliation (clerics and merchants) on the type of Sari endowment expenditures in the Qajar period.

Method and Research Design: 352 Endowment Records of merchants and clerics were described, analyzed and compared.

Findings and Conclusion: The endowments of merchants and clerics were mainly land, houses, shops and caravanserai. Clerics mostly endowed land whereas merchants endowed shops. These endowments were used for Imam Hussein's ceremonies - the third Shiite Imam - like feeding the mourners, feeding fasting people in Ramadan, repairing and maintaining mosques and schools, alms and donations to the poor and Ibn al-Sabeel. The political and social developments of the period did not change the type of endowment expenditures. Most of the endowments belong to the time of Nasser al-Din Shah (1848 -1896). Also, most of the endowments were recorded in the lunar months of Rajab and Muharram. The endowments were entrusted to the person who endowed, his children or the clerics of the region. This indicates a kind of family system and the scholarly system in the management of endowments.

Keywords: Qajar, Sari, Clerics, Merchants, Endowments.

Citation: Noroozi, E, & Noroozi, J. (2022). Types and Uses of Clerics and Merchants' Endowments in Sari Region (Mazandaran) in the Qajar Period. *Ganjine-ye Asnad*, 32(1), 112-143. doi: 10.30484/ganj.2022.2919

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD student of Iranian Islamic History, Payam Noor University, Tehran, I. R. Iran

farshidnoroozi20@gmail.com

2. Associate Professor of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)

J.noroozi@alzahra.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«125»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ,2022.2919

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 1, Spring 2022 | pp: 112 - 143 (32) | Received: 29, Aug. 2020| Accepted: 6, Feb. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

فرشید نوروزی^۱ | جمشید نوروزی^۲

چکیده:

هدف: بررسی تأثیر وابستگی طبقاتی بر نوع و نحوه مصرف موقوفات ساری در دوره قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: توصیفی-تحلیلی بر مبنای اسناد اداره اوقاف ساری و منابع اولیه.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بررسی محتوای اسناد وقف‌نامه‌های روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار نشانگر آن است که نوع موقوفات روحانیون و تجار، عمدتاً از جنس زمین، خانه، دکان و کاروان‌سرا است که وقف زمین در بین روحانیون و وقف دکان در بین تجار بیشتر رواج داشته است. نحوه مصرف موقوفات این دو طبقه به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: تعزیه‌داری سیدالشهداء؛ اطعام عزاداران سیدالشهداء؛ اطعام و افطار روزه‌داران؛ تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس؛ صدقات و اعانات به فقرا و مساکین و ابن‌السبیل. تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره سبب نشد تا نوع مصارف موقوفات روحانیون و تجار تغییر کند. بیشترین وقف‌های این دو طبقه اجتماعی در دوران حکومت ناصرالدین‌شاه ثبت شده است. از لحاظ زمان هم بیشترین وقف‌های روحانیون و تجار، در ماه‌های قمری محرم و رجب ثبت شده‌اند. تولیت موقوفات این دو طبقه برعهده خود واقفان، فرزندان واقفان و یا علمای منطقه قرار می‌گرفت که بیانگر نوعی نظام مدیریت خانوادگی و مدیریت علمایی در مدیریت موقوفات است.

کلیدواژه‌ها: قاجار؛ ساری؛ روحانیون؛ تجار؛ موقوفات.

استناد: نوروزی، فرشید، نوروزی، جمشید. (۱۴۰۱). نوع و نحوه مصرف موقوفات روحانیون و تجار

ساری در دوره قاجار. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۱)، ۱۱۲-۱۴۳ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۱۹

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، مرکز
تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران،
ایران

farshidnorozi20@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، (نویسنده مسؤل)
J.norozi@alzahra.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۲۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۱۹

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۱ | صص: ۱۱۲ - ۱۴۳ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

وقف همواره سنتی زنده و پویا بوده است. وضعیت این سنت و چگونگی و چرایی رشد و افول آن در تاریخ ایران از سیاست‌ها و اقدامات حکام و نیز اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران متأثر بوده است. قاجارها ضمن حفظ ویژگی‌های سنتی نهاد وقف، در راستای تحول این نهاد نیز گام‌هایی برداشتند.

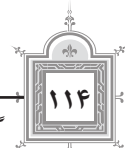
وضعیت اوقاف در عهد قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) را به سه مقطع زمانی می‌توان تقسیم کرد: در مقطع زمانی اول (از آغاز حکومت قاجار در سال ۱۲۱۰ق تا ۱۲۷۱ق) ثبت و اداره موقوفات و تولیت آن‌ها، بیشتر تحت نظر و نفوذ روحانیون و مجتهدان انجام می‌شد. اگر ملکی وقفی در محل زندگی مجتهد یا روحانی برجسته‌ای وجود داشت، معمولاً برای اداره موقوفه، به نظر او توجه می‌شد. علاوه بر این‌ها، روحانیون و مجتهدان برجسته با مهر کردن ذیل اسناد موقوفه، صحت و اصالت آن‌ها را تأیید می‌کردند (ملکم، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۶؛ الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۱).

مقطع دوم، از ۱۲۷۱ق تا پیش از تصویب قانون اوقاف و معارف کشور در ۱۳۲۸ق را دربر می‌گیرد. در این دوره که مقارن با تلاش ناصرالدین شاه برای تغییر و تحول در ساختار اداری کشور بود، سعی شد که مدیریت کلی امور موقوفات به وزارت خانه‌هایی واگذار شود که با عناوینی چون «وزارت معارف و اوقاف»، «وزارت وظایف و اوقاف»، «وزارت فواید عامه»، «وزارت معارف، اوقاف و پست» ایجاد شدند (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۸۸-۸۹؛ خورموجی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۳). در این راستا برخی امور موقوفات در اختیار متصدیان این وزارت خانه‌ها قرار گرفت که به تدوین برخی ضوابط و صدور فرمان‌هایی برای سامان‌دهی موضوعات مرتبط با اوقاف نیز می‌پرداختند (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶). ولی با وجود این از میزان نقش نظارتی روحانیون بر موقوفات کاسته نشد؛ چراکه بر اساس همان ضوابطی که از سوی همین وزارتخانه‌های متولی امر موقوفات صادر شده بود، صورت حساب‌های دخل و خرج موقوفات می‌بایست پس از تأیید مجتهدان، برای وزارت «وظایف و اوقاف» ارسال شود (لمبتون، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

مقطع سوم به سال‌های پس از برقراری حکومت مشروطیت (۱۳۲۴ق) برمی‌گردد که مجلس شورای ملی با تصویب قانون «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» در سال ۱۳۲۸ق، قانونمند کردن اداره موقوفات و استفاده از عواید آن را برای توسعه معارف کشور مدنظر قرارداد (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

ساری^۱ (مرکز سیاسی-اداری ولایت مازندران) در دوره قاجار شامل چهار بلوک بود: ۱- کلیجان رستاق، چهار دانگه و دودانگه در سمت جنوب؛ ۲- اندرود و میاندرود و قراطغان در

۱. این شهر از جنوب به سمنان و دامغان، از شمال به دریای خزر، از شرق به اشرف و از غرب به بارفروش منتهی می‌شد.



سمت شرق؛ ۳- فرح آباد، میان رود و شرخا در سمت شمال؛ ۴- علی آباد، کیاکلا و قادی کلا در سمت غرب (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۱۰۰-۱۰۱). دو وجه مهم اقتصادی عصر قاجار یعنی کشاورزی و دامپروری در ساری رونق فراوانی داشت و همین امر، زمینه رونق و آبادانی آن را در عصر قاجار فراهم آورده بود (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳). دلیل دیگر ترقی ساری رونق اقتصادی بود که علت آن وجود امکاناتی چون ۴ کاروانسرا و ۴۱۰ دکان در این شهر بود (ملگونف، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱؛ رابینو، ۱۳۸۳، ص ۸۱).

ساری حاکم‌نشین قدیمی مازندران محسوب می‌شد. این شهر در مقطعی که آغامحمدخان در پی تصاحب تاج و تخت به جنگ و جدال با حریفانی چون حکام زند می‌پرداخت و قلمروش عمدتاً استرآباد و مازندران بود، به‌عنوان پایتخت موقت او انتخاب شده بود (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷). با وجود تصمیم بعدی آغامحمدخان در انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت ثابت قاجار (۱۲۱۰ق)، ساری به‌دلایلی چون نزدیک بودن به خاستگاه ایل قاجار (استرآباد) و نیز باقی ماندنش به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری ایالت مازندران، همچنان مورد توجه حکومت قاجار بود و روند عمران و آبادانی آن برقرار ماند (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، ص ۹۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۰۱۹). یکی دیگر از دلایل اهمیت ساری، سکونت حکام ولایت مازندران به‌همراه تعداد زیادی از شاهزادگان، اعیان و اشراف و مأموران دولتی در این شهر بود (افضل‌الملک، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۴۹).

در کنار اهمیت سیاسی-منطقه‌ای و رونق اقتصادی ساری در دوران قبل از مشروطه، مقابر امامزادگانی چون امامزاده عباس (ع)، امامزاده یحیی (ع) و امامزاده زین‌العابدین (ع)، و استقرار چند مجتهد طراز اول ایالت مازندران در ساری (حاجی ملاعبدالله، حاجی میرزا محمدتقی، آقامیرزا محمدحسین و حاجی ملاتقی هزارجریبی) سبب ایجاد فضای مذهبی در منطقه شده بود (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، صص ۹۳، ۹۶، ۱۰۶). از نظر بافت جمعیتی و ترکیب اجتماعی، مردم ساکن در ساری، شامل طوایف مختلف و بعضاً مهاجری بودند که در بلوکات اطراف و نیز مرکز ایالت ساکن بودند (میرزاابراهیم، ۱۳۵۵، ص ۹۷).

از جمله طبقات اجتماعی که در راستای تداوم سنت دیرینه وقف اموالی را در دوره قاجار در ساری وقف کردند، روحانیون و تجار بودند. بررسی موقوفات این دو طبقه در ساری در این دوره، از حیث نوع موقوفه و نحوه مصرف عواید، به شناخت ویژگی‌های اجتماعی، مذهبی و اقتصادی این منطقه کمک خواهد کرد.

این پژوهش، در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. تجار و روحانیون ساری چه اموالی را در دوره قاجار وقف کردند؟

۲. این موقوفات چه مصارفی داشتند و تحولات سیاسی و اجتماعی رخ داده در دوره

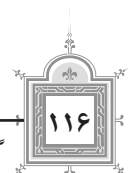
- قاجار، چه تأثیری بر تعیین نحوه مصرف این موقوفات داشت؟
۳. تجار و روحانیون، چه کسانی را به عنوان متولی موقوفه خود انتخاب می کردند؟
۴. تشابهات و تفاوت های موقوفات تجار و روحانیون ساری در دوره قاجار از حیث نوع موقوفه و نحوه مصرف عواید آن چه بود؟
۵. چه نسبتی بین تنظیم این وقف نامه ها با ماه های قمری وجود داشته است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش هایی که با موضوع وقف و موقوفات در دوره قاجار، انجام شده است، از حیث تبیین کلی و نسبی فضای بحث حاضر و اشاره به برخی موارد کلی مرتبط با مباحث و تحلیل های این تحقیق، خالی از اهمیت نیستند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود. نخستین مقاله «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره ناصرالدین شاه» تألیف لیلا مرادعلیان است که در پاییز ۱۳۹۵ در فصل نامه «آرشیو ملی» چاپ شده است و نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه را بررسی کرده است. مقاله دیگر «بررسی انگیزه های واقفان در شهر تهران؛ برپایه بازخوانی دو نمونه از وقف نامه های بازار دوره قاجار» تألیف محمد کشاورز است که در زمستان ۱۳۸۸ در فصل نامه «وقف میراث جاویدان» چاپ شده است و در آن انگیزه ها و اهداف وقف در دوره قاجار بررسی شده است. مقاله بعدی «بررسی مسجد-مدرسه های وقفی «جامع» و «آقاعباس» در بافت مرکزی شهر آمل» نوشته معصومه یدالله پور و شهرام یوسفی فر است که در پاییز ۱۳۸۸ در فصل نامه «گنجینه اسناد» چاپ شده است و به بررسی وقف نامه ها، وضعیت موقوفه ها، واقف و موارد مصرف درآمد موقوفه ها در مسجد جامع و مسجد آقاعباس شهر آمل پرداخته است. خلا پژوهشی درباره بررسی تأثیر وابستگی طبقاتی بر انواع و نحوه مصرف موقوفات ساری در دوره قاجار نگارندگان را بر آن داشت تا پژوهشی مستقل در این زمینه انجام دهند.

۲. تحلیل آماری اسناد موقوفات ساری در دوره قاجار

بررسی ۳۵۲ سند وقفی ساری در عهد قاجار نشان می دهد که ۵۱ وقف یعنی ۱۴/۵ درصد از موقوفات پیش از حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ق) و ۱۶۰ وقف یعنی ۴۵/۵ درصد از موقوفات در دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) و ۱۴۱ وقف یعنی ۴۰ درصد از موقوفات بعد از حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۴۴ق) ثبت شده است. ۲۷۸ موقوفه یعنی ۷۹ درصد از موقوفات مربوط به مردان و ۷۴ موقوفه یعنی ۲۱ درصد از موقوفات مربوط به زنان است. ۶۹ درصد از نیات واقفان به امور مذهبی، ۱۶ درصد به امور



خیریه و ۱۵ درصد به امور اجتماعی اختصاص دارد. ۵۹ درصد نوع مال وقف شده زمین، ۱۹ درصد منزل مسکونی، ۱۸ درصد دکان، ۲ درصد کاروان سرا و ۲ درصد حمام است.

| جدول شماره ۱: تعداد کل موقوفات ساری در دوره قاجار | | |
|---|---|---------------|
| ردیف | دوره | تعداد موقوفات |
| ۱ | پیش از حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۶۴ق) | ۵۱ |
| ۲ | دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) | ۱۶۰ |
| ۳ | بعدها حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۴-۱۳۴۴ق) | ۱۴۱ |

جدول ۱

تعداد کل موقوفات ساری در دوره قاجار

| جدول شماره ۲: تعداد موقوفات ساری در دوره قاجار براساس جنسیت واقف | | |
|--|--------------|--------|
| موقوفات مردان | موقوفات زنان | جمع کل |
| ۲۷۸ | ۷۴ | ۳۵۲ |

جدول ۲

تعداد موقوفات ساری در دوره قاجار براساس جنسیت واقف

| جدول شماره ۳: نوع نیت واقفان موقوفات ساری در دوره قاجار | | | |
|---|-------|---------|--------|
| منهبی | خیریه | اجتماعی | جمع کل |
| ۳۲۱ | ۷۲ | ۷۰ | ۴۶۳ |

جدول ۳

نوع نیت واقفان موقوفات ساری در دوره قاجار

| جدول شماره ۴: نوع مال وقف شده در دوره قاجار در ساری | | | | | |
|---|-------------|--------------|------------|------|--------|
| زمین | منزل مسکونی | دکان (مغازه) | کاروان سرا | حمام | جمع کل |
| ۳۳۰ | ۷۵ | ۶۹ | ۷ | ۷ | ۲۳۸ |

جدول ۴

نوع مال وقف شده در دوره قاجار در ساری

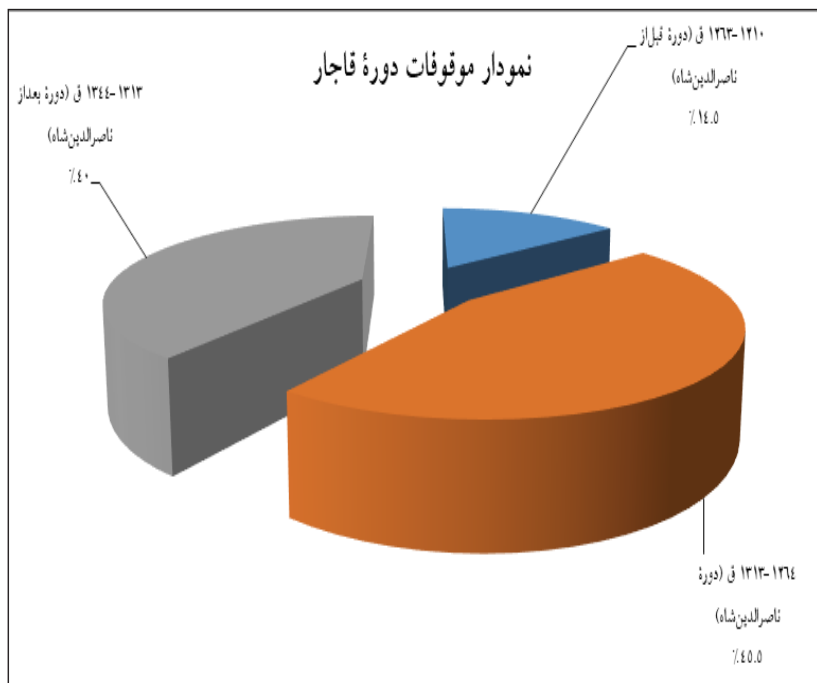
افزایش موقوفات در دوران حکومت طولانی ناصرالدین شاه دو دلیل داشت: نخست اینکه به علت بهبود اوضاع اقتصادی ایران در این دوره، سطح عمومی ثروت و درآمد سرانه مردم ایران و نیز سطح رفاه جامعه افزایش پیدا کرد و دوم اینکه ثبت، مدیریت و حفظ موقوفات در قالب نظام دیوان سالاری جدید این دوره نظم و نسقی مناسب پیدا کرد و احتمال از بین رفتن موقوفات کاهش یافت؛ در نتیجه رغبت مردم برای وقف اموالشان بیشتر شد. روند افزایش موقوفات در دوران بعد از حکومت ناصرالدین شاه اگرچه شبیهی ملایم تر

۱. در تعدادی از موقوفات شهر ساری بیش از یک نیت وجود دارد؛ بنابراین تعداد نیت موقوفات ساری بیشتر از تعداد موقوفات این شهر است.
۲. در تعدادی از موقوفات شهر ساری بیش از یک مال وقف شده است؛ بنابراین تعداد اموال وقف شده برای موقوفات ساری بیشتر از تعداد موقوفات این شهر است.



داشته‌است، ولی در حالت کلی نشان می‌دهد که در دوران حکومت مشروطیت هم، سنت وقف در جامعه ایران عصر قاجار جریان داشته‌است و وقوع انقلاب مشروطیت و ترویج اندیشه‌ها و مظاهر تمدن نوین اروپایی در ایران این دوران از توجه مردم به سنت قدیمی وقف نکاسته‌است. رونق نسبی وقف در این دوران، احتمالاً به مواردی چون تدوین قانون اوقاف در مجلس دوم شورای ملی و تشکیل وزارت «معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» در سال ۱۳۲۸ ق برمی‌گردد.

خصوصیت مذهبی جامعه ایرانی، تأثیرگذاری افکار و اندیشه‌های مذهبی بر عملکرد طبقات متمول ایرانی، وجود حکومت استبدادی و ترس مالکان و ثروتمندان از نبود امنیت در حوزه مالکیت، تأثیرپذیری جامعه ایرانی از طبقه‌های مرجعی چون حکام و روحانیون و تجار در موضوع وقف، رونق اقتصادی و افزایش سطح درآمدها، حاکمیت نظم و امنیت از عوامل سنتی تداوم وقف در ایران بوده‌اند. علاوه بر این عوامل سنتی دلایل نوینی هم بر تداوم سنت وقف در دوره قاجار تأثیرگذار بودند. تلاش حکومت برای نظام‌مندی موقوفات در قالب دیوان‌سالاری نوین (وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه) به صورت ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، و تدوین قانون اوقاف در دوران حکومت مشروطه از دلایل نوین توسعه وقف در دوره قاجار بودند.



نمودار ۱

نمودار موقوفات دوره قاجار



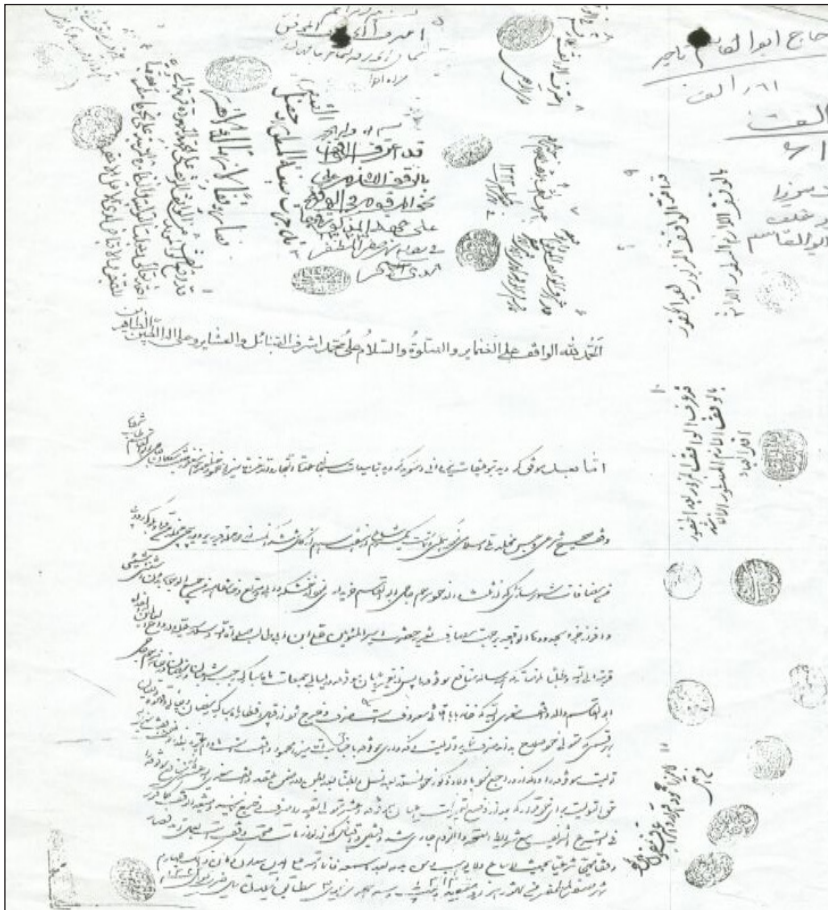
۳. ساختار و سبک نگارش اسناد وقف نامه‌ها

ساختار وقف نامه‌های دوره قاجار شامل بخش‌های زیر بوده است: ۱- بسمله؛ ۲- دیباچه؛ ۳- مشخصات کامل واقف؛ ۴- شرط تحقق وقف (قصد قربت)؛ ۵- اظهار صیغه؛ ۶- بیان کلیات (جهت مصرف)؛ ۷- مختصات و حدود اربعه موقوفه (رقبات)؛ ۸- مخارج (وظایف متولی)؛ ۹- متولی فعلی و سیستم انتخاب متولیان بعدی؛ ۱۰- متولی در صورت انقراض نسل؛ ۱۱- الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبول متولی؛ ۱۲- خاتمه؛ ۱۳- تاریخ تحریر (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹).

ترتیب این ساختار در وقف نامه‌های مختلف:

اسناد موقوفات دوره قاجار با «تمحیدیه‌ای» حاوی جملاتی در ناپایداری دنیا و فانی بودن انسان آغاز می‌شود. این جملات، در بردارنده ابیاتی فارسی و عربی و حاوی تلمیحاتی به آیات و احادیث است. بسته به قلم نگارنده وقف نامه، این قسمت مختصر یا مطول است. پس از تمحیدیه، فرد واقف و سایر ارکان موقوفه شامل صیغه وقف، مصارف، رقبات، مخارج و متولی موقوفه معرفی می‌شود. هم‌چنین، محل موقوفه به دقت معین و حدود آن مشخص می‌شود. در این اسناد، موارد مصرف درآمد موقوفه و شرایطی که واقف در نظر گرفته است، دقیقاً قید می‌شود. بعد از مشخص کردن متولی و در مواردی ناظر موقوفه، عباراتی آمده است در لعن و نفرین کسی که برخلاف شرایط تعیین شده در وقف نامه عمل کند. معمولاً، در آخر وقف نامه، آیه شریفه «فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يَبْدُلُونَهُ»^۱ تحریر می‌شد تا کسی به خود اجازه ندهد در وقف نامه و رقبات آن و مصارف مقرره تصرف کند. در اسناد وقف نامه، عباراتی نیز آورده می‌شد مبنی بر این که واقف از مالکیت موقوفه دست کشیده و آن را به تصرف وقف داده است. در حاشیه سند وقف نامه، مهر برخی از روحانیون و شهود دیگر زده می‌شد. مطابق مندرجات این اسناد، میزانی از درآمد حاصل از موقوفه قبل از آنکه صرف مقصود تعیین شده از سوی واقف شود، برای مصارف دیگری مثل حق التولیه، حق النظاره و حفظ عین موقوفه (تأمین مخارج ضروری بنا و تعمیرات لازم آن) کسر می‌شد.

۱. پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [کردن] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند (آیه ۱۸۱ سوره بقره).



تصویر ۱

سند موقوفه حاج ابوالقاسم تاجر

۴. اهمیت و ارزش تاریخی مندرجات اسناد موقوفات

از توضیحات مرتبط با نوع موقوفات واقفان روحانی که در اسناد وقف نامه‌ها درج شده‌است، می‌توان به اطلاعاتی ارزنده چون نام‌های تاریخی محلات، بازارها، روستاها، کاروان سراها و رباطها دست یافت. برای نمونه، در ضمن توضیح نوع موقوفه در سند وقف نامه ملا عبدالله کلاه‌دوز آمده‌است: «تمامت شش دانگ خان‌سرای مسکونه خود که واقع است در محله درب‌خانه من محلات شهر ساری از اعیان و اراضی و اشجار و ممر و مدخل و جدران و کل مایه‌تعلق‌بها و تمامت سه دانگ از شش دانگ یک باب دکان واقع در بازار کلاه‌دوز و چارسوق شهر ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/۲۱). از خلال توضیح سند فوق، به این اطلاعات دست می‌یابیم که در شهر ساری در عهد قاجار، محله‌ای به نام درب‌خانه و بازاری به نام کلاه‌دوز وجود داشته‌است.

۱. خان در این جا به معنی خانه است.



در نمونه‌ای دیگر، در توضیحات متن سند واقفی به نام ملاآخوندبابای ساروی، به خیابانی به نام نادر و محله‌ای به نام میرمشهد در شهر ساری آن روزگار اشاره شده است: «شش‌دانگ یک باب سراخانه در محله میرمشهد، هشت عشر و نیم از شش‌دانگ تعداد چهار باب دکان در خیابان نادر شهر ساری» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۴/الف). هم‌چنین درباره نام روستاهای ساری در عهد قاجار، در سند وقف‌نامه حاجی ملاعبدالله بن ملامؤمن کیاسری آمده است: «همگی و تمامت سه دانگ مشاع از کل شش‌دانگ قریه ازنی چهاردانگه کیاسر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۱/الف). افزون‌براین، در سند واقفی به نام حاجی ملاآقابابا تلامی، به روستایی دیگر به نام تلامر اشاره شده است: «ثلث کل اراضی خشکه‌زار قریه تلامر فریم، الأئمن [یک‌هشتم] از ثلث، و همگی مزارع مفصله از قریه تلامر و از غیر تلامر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۳/الف).

علاوه‌براین‌ها، از شرح متن برخی اسناد موقوفات واقفان درباره نوع موقوفه، به اطلاعاتی درباره چگونگی معماری خانه‌ها و هم‌چنین نوع محصولات کشاورزی ساری در عهد قاجار دست می‌یابیم. برای نمونه، در متن سند واقف آقاشیخ محمد ابن ملامرالله ساروی و به‌هنگام توضیح نوع موقوفه که یک خان‌سرای در محله درب‌خانه شهر ساری بوده، آمده است که این خانه شامل یک ایوان، یک اطاق، راهرو، حوض، مطبخ و غیره است: «همگی و تمامی شش‌دانگ خان‌سرای، مشتمل بر یک ایوان و یک اطاق و راهرو و حوض و مقابل آن، مطبخ و کل مایتعلق‌بها ...» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۸/م). هم‌چنین در متن سند وقف‌نامه شیخ‌رضا نوری‌الاصیل ساروی مسکن، ضمن توصیف نوع موقوفه، به شرح کاملی از یک خانه در ساری آن زمان پرداخته شده است: «تمامت شش‌دانگ باغ مشجره مثمره ملکی متصرفی خود را که واقع و کائن است در محله اجابین من محلات شهر ساری متصل به باغ‌شاه کهنه شهر ساری و مستغنی از تحدید و توصیف است و به‌انضمام یک دست عمارت سفال‌پوش جدیدالبناء سه‌قسمتی در وسط باغ از عرصه و اعیانی و مایتعلق‌بها از اشجار مثمره و غیر مثمره و انهار مجری‌المیاه و جدران و کل مایتعلق‌بها من غیر استثناء شیء من الثری الی الثریا و به‌انضمام دو باب دکان متصل به خود باغ مذکور که یکی مسکونه استاد اصغر صباغ و یک باب دیگر مسکونه خدابخش از عرصه و اعیانی هر دو باب دکان و مایتعلق‌بهما بلااستثناء شیء و افراز جزء» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱/الف). حتی در برخی وقف‌نامه‌ها، به نوع کاربری زمین هم اشاره شده است؛ مانند وقف‌نامه آخوند ملاحبیب‌الله که ضمن معرفی نوع موقوفه، ذکر شده است که کاربری این موقوفه، شالیزاری و کشت برنج است (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳۶/ح).

در توضیح نوع موقوفات تاجران واقف نیز می‌توان به اطلاعات مفیدی درباره مشاغل و بازارها و کاروان‌سراها، آب‌انبارها، تکایا و مساجد و محلات شهر ساری در این دوره تاریخی دست یافت. برای نمونه محمدصادق تاجر ساروی در توضیح نوع موقوفه‌اش از مشاغلی چون کلاه‌دوزی و رسته‌بازار (راسته‌بازار) مربوط به این شغل نیز نام می‌برد: «شش‌دانگ یک باب دکان مسکونه میرزاهادی کلاه‌دوز واقع در راسته‌بازار کلاه‌دوزی» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۱/م) یا حاج‌احمد تاجر روغن‌فروش ساروی الاصل در شرح نوع موقوفه در سند وقف‌نامه از کاروان‌سرای به‌نام وزیر و دکاکین مرتبط با آن و نوع قرارگیری این دکاکین و بازاری به‌نام پنجشنبه‌بازار و دروازه‌ای به‌نام دروازه‌ استرآباد در شهر ساری نام می‌برد: «زمین دروازه‌ استرآباد جهت بنا [مسجد، سه دانگ یک باب دکان، ده سیر از هریک از چهار باب دکان معروف به دکاکین آقامیرزامهدی، یک باب تحت در پنجشنبه‌بازار، ده سیر مشاع از یک دانگ و نیم مشاع کاروان‌سرای وزیر با توابع، ده سیر مشاع از یک دانگ و نیم مشاع از سیزده باب دکاکین جنب کاروان‌سرای وزیر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳/الف).

۵. بررسی مقایسه‌ای آمار موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

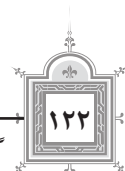
از ۳۵۲ عدد وقف‌نامه ساری در دوره قاجار که در دسترس نگارندگان است، ۴۳ موقوفه (۱۲ درصد) مربوط به روحانیون و ۲۶ موقوفه (۷ درصد) مربوط به تجار است. از ۴۳ موقوفه روحانیون ساری ۴ موقوفه (۹ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۱۰-۱۲۶۳ق (دوره قبل از ناصرالدین‌شاه)، ۲۵ موقوفه (۵۸ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۶۴-۱۳۱۴ق (دوره ناصرالدین‌شاه)، و ۱۴ موقوفه (۳۳ درصد) متعلق به سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۴۲ق (دوره بعد از ناصرالدین‌شاه) است. از ۲۶ موقوفه تجار ساری در دوره قاجار ۳ موقوفه (۱۱/۵ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۱۰-۱۲۶۳ق (دوره قبل از ناصرالدین‌شاه)، ۹ موقوفه (۳۴/۵ درصد) مربوط به سال‌های ۱۲۶۴-۱۳۱۴ق (دوره ناصرالدین‌شاه) و ۱۴ موقوفه (۵۴ درصد) متعلق به سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۴۲ق (دوره بعد از ناصرالدین‌شاه) است (نک: نمودارهای شماره ۲، ۳، ۴).

| جدول شماره ۵: تعداد کل موقوفات دوره قاجار در ساری | | | | |
|---|------------|------------------|------------------------|--------------------|
| ردیف | دوره زمانی | تعداد کل موقوفات | تعداد موقوفات روحانیون | تعداد موقوفات تجار |
| ۱ | دوره قاجار | ۳۵۲ | ۴۳ | ۲۶ |

۱- وسیله‌ای برای فروش انواع میوه و سبزی

جدول ۵

تعداد کل موقوفات دوره قاجار در ساری

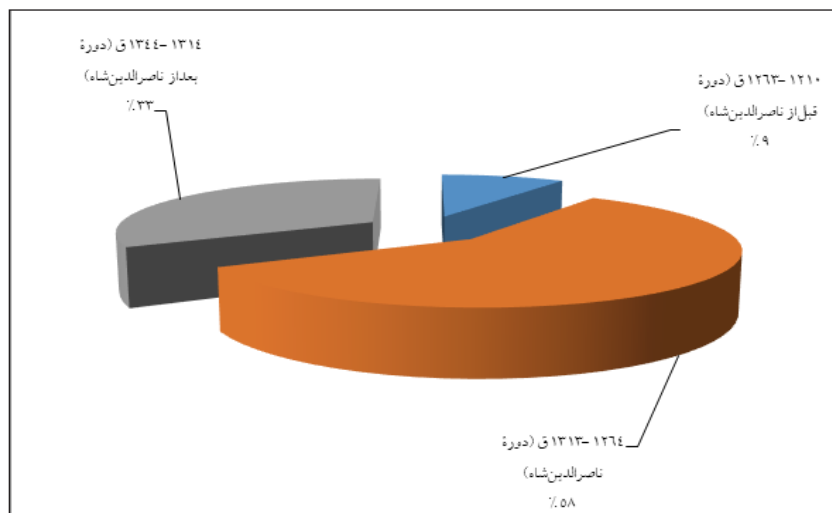


جدول ۶

تعداد موقوفات روحانیون و تجار
ساری در دوره قاجار

| ردیف | دوره زمانی | تعداد موقوفات روحانیون | تعداد موقوفات تجار |
|------|---|------------------------|--------------------|
| ۱ | سالهای ۱۲۱۰-۱۲۶۳ق (دوره قبل از ناصرالدین شاه) | ۴ | ۳ |
| ۲ | سالهای ۱۲۶۴-۱۳۱۴ق (دوره ناصرالدین شاه) | ۲۵ | ۹ |
| ۳ | سالهای ۱۳۱۵-۱۳۴۲ق (دوره بعد از ناصرالدین شاه) | ۱۴ | ۱۴ |

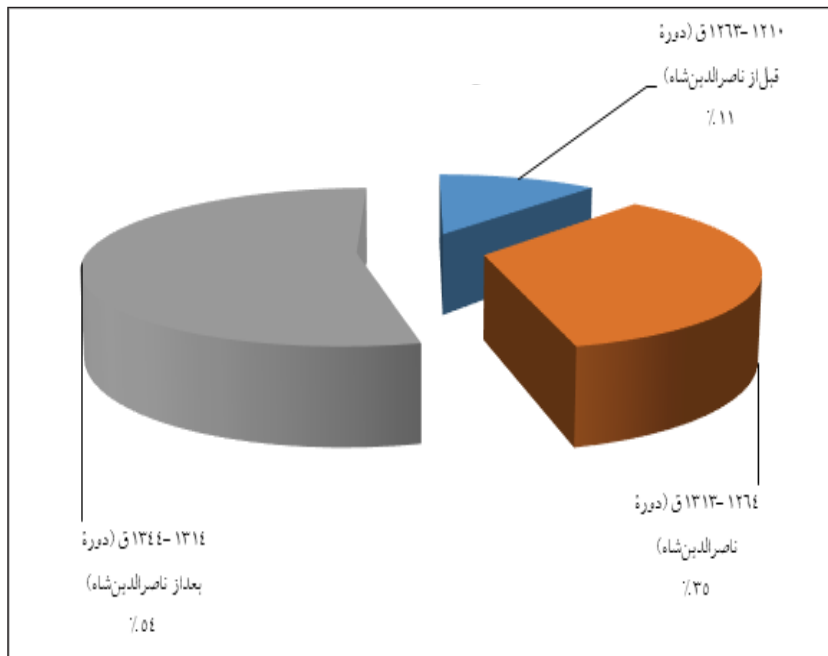
نتایج آماری فوق، فرایند توسعه و رشد موقوفات در عصر ناصرالدین شاه را تأیید می‌کند؛ چراکه در واقع ۵۸ درصد از موقوفات روحانیون و ۳۵ درصد از موقوفات تجار ساری در دوره قاجار، در دوران حکومت این پادشاه قاجار ثبت شده است. همان‌گونه که پیش از این نیز مطرح شد، شکل‌گیری ساختار اداری نظارت بر موقوفات در دل دیوان‌سالاری دوره ناصرالدین شاه و نیز فراهم شدن امنیت و رونق نسبی اقتصاد ایران در عهد ناصرالدین شاه، تمایل تجار و روحانیون ساری را برای انجام امور خیریه و عام‌المنفعه افزون‌تر کرده بود؛ ولی موقوفات این دو طبقه بعد از دوره ناصرالدین شاه یعنی بین سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۴۴ق، تفاوتی معنادار دارد. ۳۳ درصد از موقوفات روحانیون و ۵۴ درصد از موقوفات تجار، مربوط به این دوران است. این آمار نشان می‌دهد که موقوفات روحانیون نسبت به دوره ناصرالدین شاه، کاهش ۲۵ درصدی داشته است؛ در مقابل، موقوفات تجار، افزایش ۱۹ درصدی داشته است.



مُودار ۲

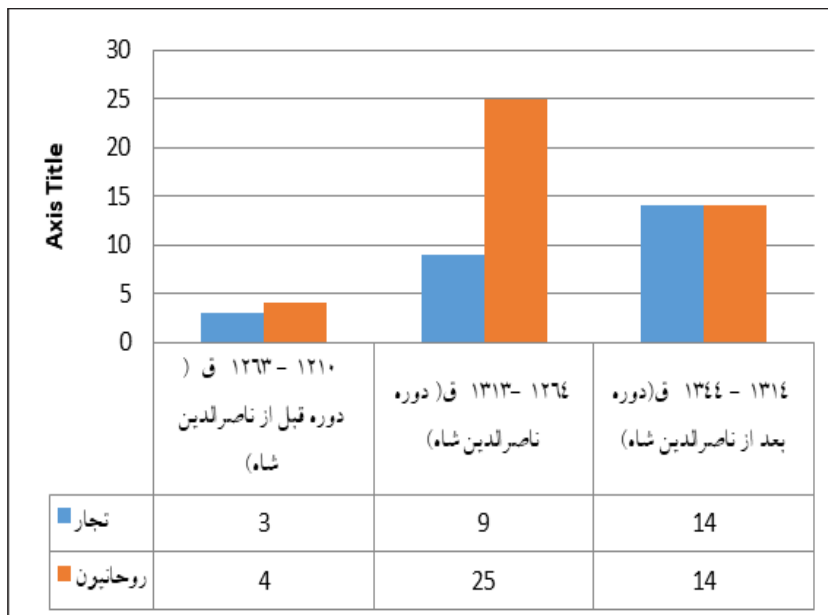
مُودار اسناد وقفی روحانیون ساری
در دوره قاجار





نمودار ۳

نمودار اسناد وقفی تجار ساری در دوره قاجار



نمودار ۴

نمودار مقایسه ای اسناد وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶. مقایسه مصارف و نوع موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶.۱. مقایسه مصارف موقوفات روحانیون و تجار

مصارف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار را می‌توان به سه دسته کلی مذهبی، اجتماعی، و خیریه تقسیم کرد.^۱ از ۶۰ نوع مصرفی که واقفان روحانی ساری در وقف‌نامه‌های خود گنجانده‌اند، ۴۱ نوع مصرف (۶۸ درصد مصارف) مربوط به امور مذهبی است؛ ۱۲ مصرف (۲۰ درصد مصارف) مربوط به امور خیریه؛ و ۷ مصرف (۱۲ درصد مصارف) مربوط به امور اجتماعی است. از ۳۲ نوع مصرفی که تجار واقف ساری برای موقوفات خود تعیین کرده‌اند، تعداد ۲۲ نوع مصرف (۶۹ درصد مصارف)، مربوط به امور مذهبی، ۶ مصرف (۱۹ درصد مصارف) مربوط به امور خیریه و ۴ مصرف (۱۲ درصد مصارف) مربوط به امور اجتماعی است.

جدول شماره ۷: مصارف موقوفات روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

| ردیف | طبقه | مصارف مذهبی | مصارف خیریه | مصارف اجتماعی |
|------|----------|-------------|-------------|---------------|
| ۱ | روحانیون | ۴۱ | ۱۲ | ۷ |
| ۲ | تجار | ۲۲ | ۶ | ۴ |

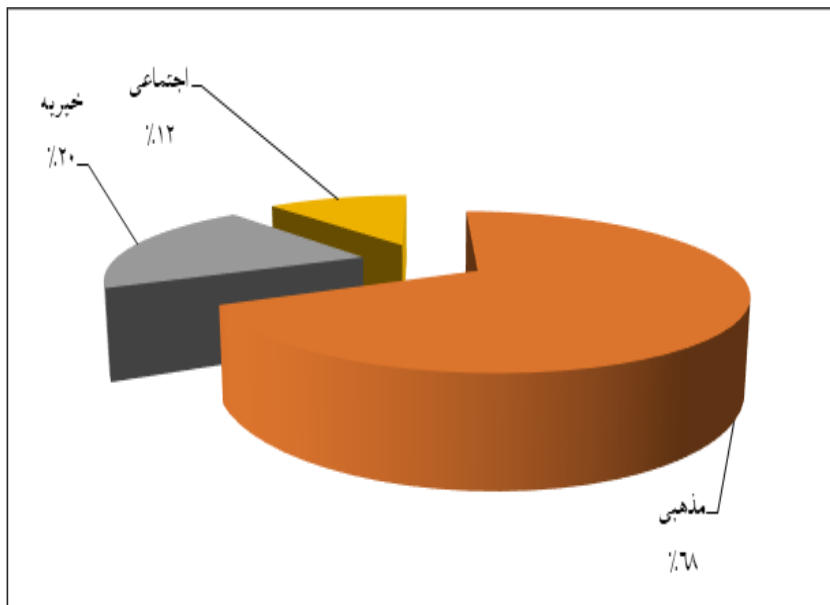
جدول ۷

مصارف موقوفات روحانیون و تجار
ساری در دوره قاجار

بافت سنتی جامعه ایران در دوره قاجار، به‌عنوان مانعی در راه تحول در مصارف موقوفات تجار و روحانیون ساری عمل کرد و موج نوگرایی و ورود افکار جدید و ایجاد نظام مشروطیت، در مصارف وقف تجار و روحانیون تفاوتی با گذشته ایجاد نکرد و واقفان به امور فرهنگی و آموزشی که با تحولات دنیای آن روز هماهنگی داشته باشد، توجهی نکردند و به‌جای آن مصارف موقوفات خود را به برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری اختصاص دادند. حتی تجار هم که به‌دلیل نوع شغل و کارشان ارتباط با تجار دیگر کشورها به‌ویژه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تحت حاکمیت روسیه تزاری، با تحولات فکری و اجتماعی آن منطقه آشنا بودند، مصارف موقوفاتشان در راستای تحولات جهان آن روز نبود. این امر، نشان از آن دارد که بافت سنتی جامعه ایرانی در آن روزگار، تجار را وامی‌داشته‌است تا براساس سنت‌ها و آداب و رسوم حاکم بر جامعه ایرانی عمل کنند و چندان از آن جو غالب اجتماعی فراتر نروند (نک: نمودارهای شماره ۵، ۶، ۷).

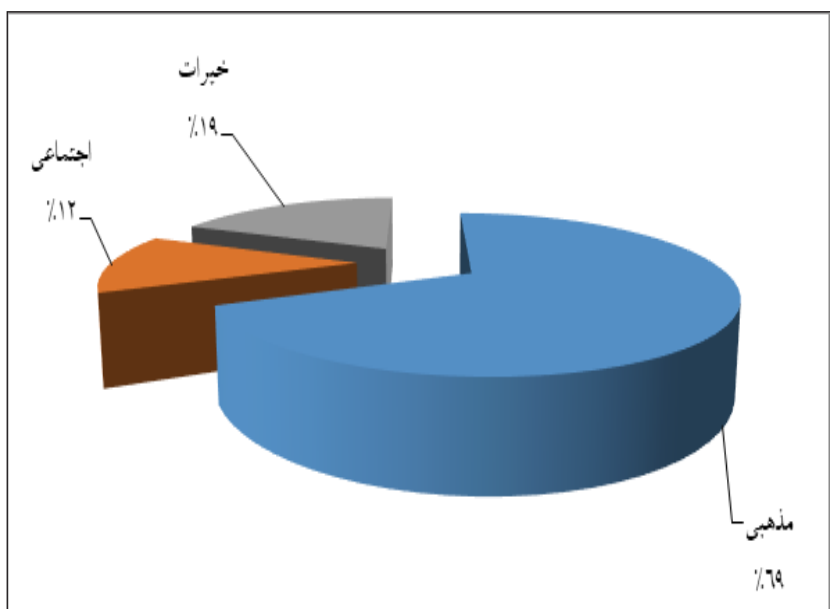
۱. تقسیم مصارف موقوفات به این سه دسته کلی و نیز تعیین مصادیق هر دسته، براساس تقسیم‌بندی لحاظ‌شده در سامانه کامپیوتری موقوفات کشور انجام شده‌است.





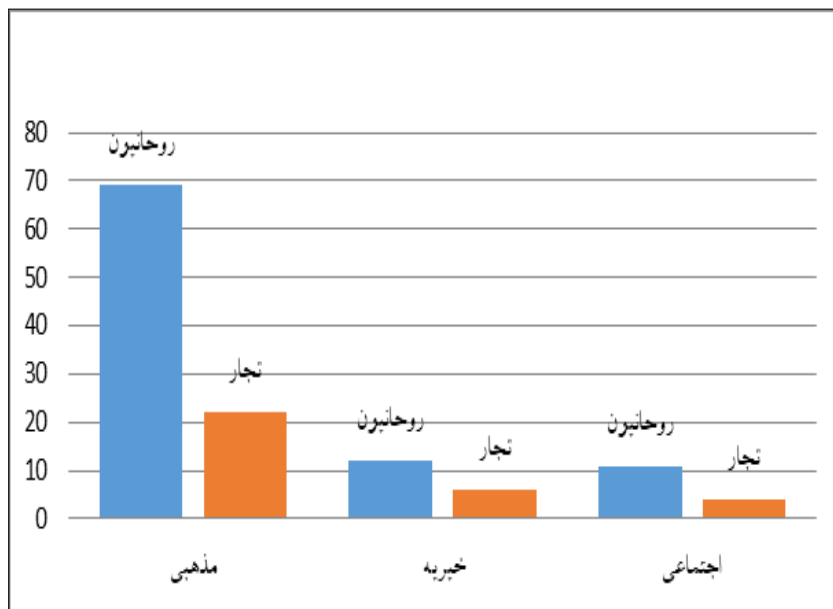
نمودار ۵

نمودار مصارف موقوفات روحانیون



نمودار ۶

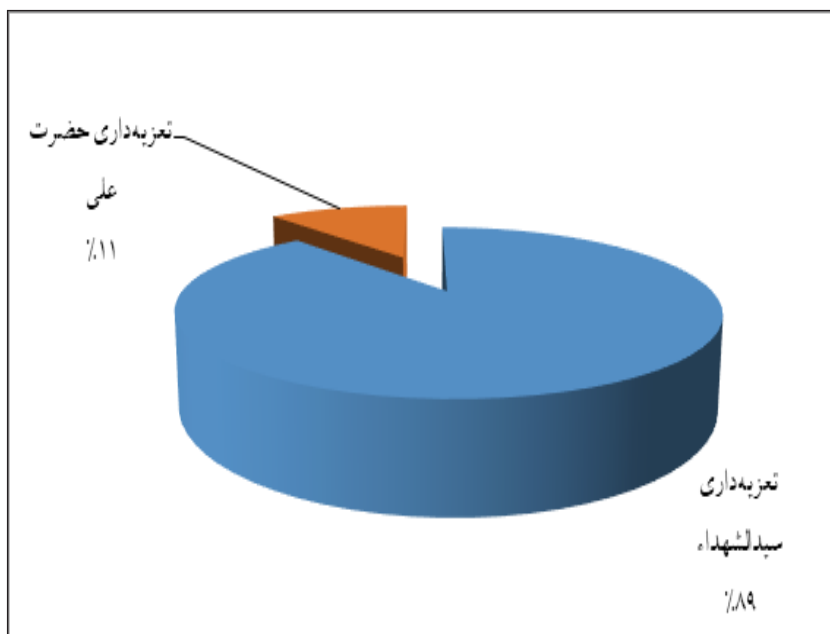
نمودار مصارف کلی تجار



نمودار ۷

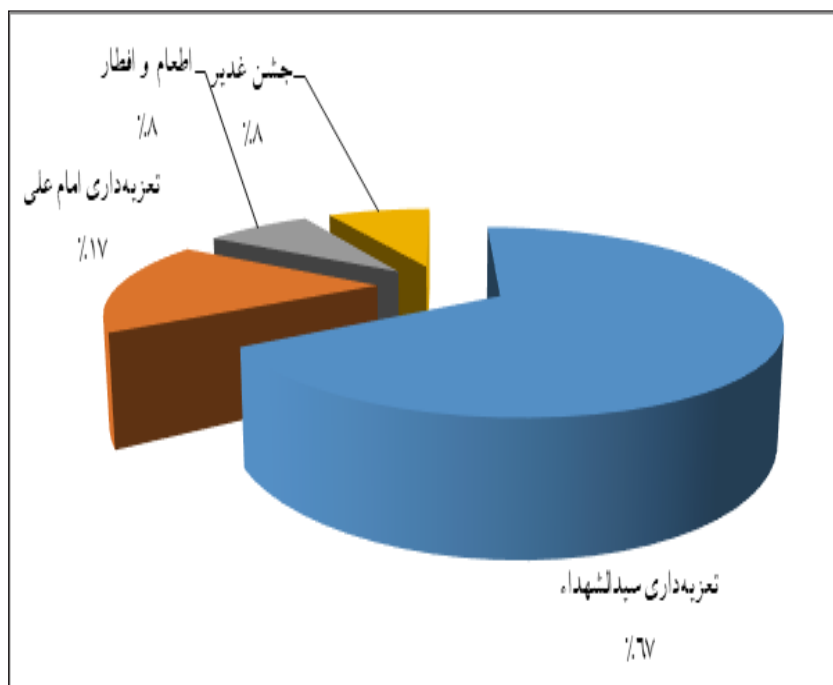
نمودار مقایسه‌ای مصارف موقوفات

مصارف مذهبی موقوفات روحانیون و تجار شامل: تعزیه‌داری سیدالشهدای و اطعام عزاداران آن حضرت، تعزیه‌داری حضرت علی (ع) و اطعام در ماه مبارک رمضان است. روحانیون واقف ۸۹ درصد مقصود موقوفاتشان را برای تعزیه‌داری سیدالشهدا و اطعام عزاداران آن حضرت در نظر گرفته‌اند و تجار نیز ۶۷ درصد از مقصود موقوفاتشان را به این امر اختصاص داده‌اند. تعزیه‌داری حضرت علی ۱۱ درصد از موقوفات روحانیون و ۱۷ درصد از موقوفات تجار را به خود اختصاص داده‌است (نک: نمودار ۸، ۹). اختصاص درصد زیادی از مقصود مذهبی موقوفات روحانیون به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا، از یک‌سو نشان‌دهنده عمق ارادت و دل‌بستگی مردم این منطقه به حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) است و از سوی دیگر، مبین تلاش واقفان برای زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان است. افزون‌براین، اهتمام به این قبیل امور، تا حدی متأثر از فضای مذهبی زمانه و نیز سیاست و عملکرد حکومت وقت و عوامل حکومتی در ایالات هم بوده‌است. گرچه ارادت به حضرت سیدالشهدا در ایران، از زمان حکومت صفویان گسترش یافته بود، ولی این امر در زمان قاجار بیشتر شدت یافت. حتی برخی شاهان قاجار، شخصاً بانی و مشوق برگزاری مراسم مربوط به تعزیه‌داری آن امام همام و یارانش بودند و مکان‌هایی را نیز برای این منظور احداث کردند (فلاندن، ۱۳۲۴، ص ۱۱۸؛ دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷).



نمودار ۸

نمودار مصارف مذهبی موقوفات
روحانیون



نمودار ۹

نمودار مصارف مذهبی تجار

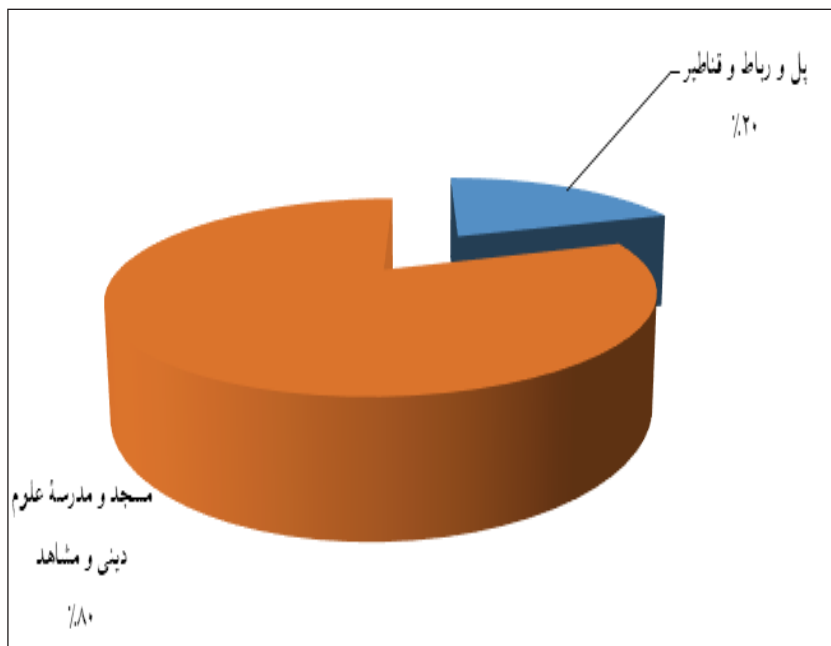
در حیطه مصارف اجتماعی موقوفات روحانیون هدف‌هایی چون ساخت، تعمیر و نگهداری مساجد، مدارس علوم دینی، مشاهد^۱، قناطر^۲، پل‌ها و رباط‌ها^۳ قرار دارد. در این میان هدف تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس علوم دینی با ۸۰ درصد، بیشترین فراوانی را دارد و مابقی نیت واقفان روحانی به احداث پل، «رباط» و «قناتیر» با فراوانی ۲۰ درصد اختصاص یافته‌است. تجار نیز ۵۰ درصد از نیت اجتماعی خود را به تعمیر، نگهداری و بازسازی مساجد و ۲۵ درصد را به تعمیر و نگهداری مدارس علوم دینی و ۲۵ درصد دیگر را به تعمیر و نگهداری آب‌انبار اختصاص داده‌اند (نک: نمودار شماره ۱۰، ۱۱). درصد زیاد نیت وقفی مرتبط با تعمیر و نگهداری مساجد و مدارس دینی، نشان‌دهنده توجه ویژه روحانیون و تجار به تأسیس و فعالیت مساجد به‌عنوان پایگاه‌های اصلی فعالیت‌های مذهبی و نیز حفظ و رونق اماکن آموزش علوم دینی در منطقه است. در دوران قاجار، مدرسه‌سازی و مسجدسازی زیاد رونق داشته‌است. اروپاییانی که در این دوره از ایران دیدن کرده‌اند، از املاک فراوان وقفی برای مساجد و مدارس سخن گفته‌اند؛ از جمله، هانری رنه دالمانی^۴ که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه از ایران دیدن کرده‌است، می‌نویسد: «اراضی موقوفه زیاد است و اتصالاً شماره آن‌ها رو به فزونی می‌رود؛ زیرا که اشخاص مؤمن ثروتمند همواره املاکی را وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه می‌نمایند» (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۷۲).

در این دوره، مراکز مذهبی-آموزشی یا مساجد-مدارس در یکجا ساخته می‌شدند و موقوفاتی برای تأمین مالی آن‌ها در نظر گرفته می‌شد. این شیوه ساخت بناهای مذهبی-آموزشی و تعیین منابع مالی برای آن‌ها در قالب موقوفات، در سراسر ایران دوره قاجار فراوان رواج داشت و در ساری دوره قاجار نیز مساجد-مدارس متعددی بنا شد و موقوفاتی هم برای آن‌ها تعیین شد. برای نمونه، فردی به‌نام حاجی درویش‌علی در سال ۱۲۶۱ق، مسجد-مدرسه‌ای را در شهر ساری بنا کرد و شش‌دانگ یک باب سراخانه، یک باب دکان متصل به یکی از حجرات روبه‌روی حمام بزرگ، جمیع دکاکین جنب حمام، و شش‌دانگ حمام بزرگ روبه‌روی مدرسه را وقف آن کرد (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۵/۳). محمدقلی میرزا ملک‌آرا حاکم مازندران تمامی املاک و قراء و حمام و دکاکین ساری و استرآباد و حومه را به این شرح وقف مسجد-مدرسه نواب علیه کرد: ۱- قریه بینجلو؛ ۲- حمام؛ ۳- دکاکین؛ ۴- قریه شرف‌الدین محله؛ ۵- قریه ملیک؛ ۶- دکاکین جنب آب‌انبار درب مسجد جامع؛ ۷- قریه سرتاق (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲/م).

۱. قبور مطهر و منور
۲. قنطره / qantare / پل. قناطر: پل‌ها
۳. رباط منحصر به ساختمان‌های کنار راه و به‌ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می‌شود.
رباط علاوه بر حوض و آب‌انبار دارای اتاق‌های متعددی است که گرداگرد حیاطی را فراگرفته‌اند و مسافران می‌توانند یک یا چند شب را در آن‌ها بیایند.

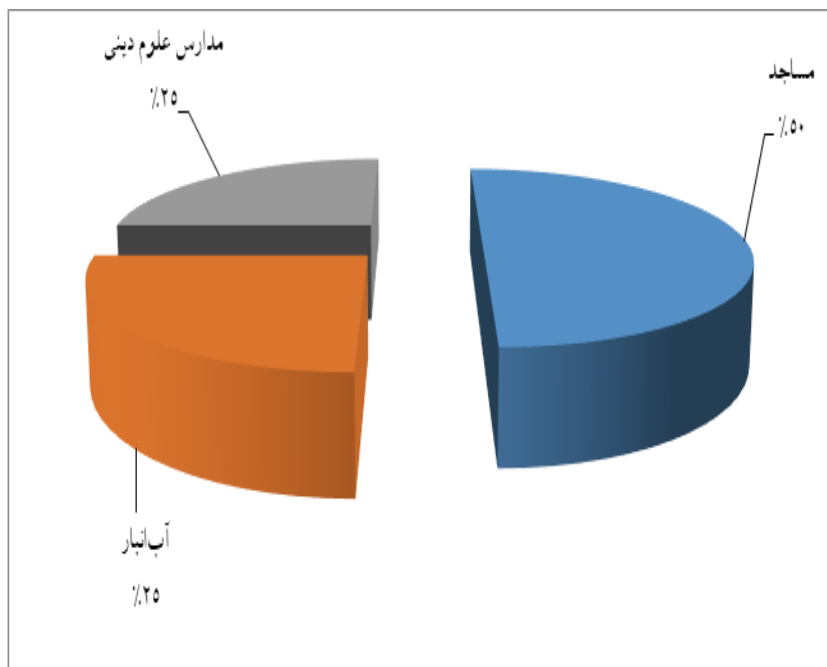
4. D'Allemagne, Henry-René





مُودار ۱۰

مُودار مصارف اجتماعی
موقوفات روحانیون



مُودار ۱۱

مُودار مصارف اجتماعی
موقوفات تجار

دسته سوم مصارف موقوفات روحانیون و تجار، امور خیریه است شامل موارد زیر: مطلق خیرات؛ احسان بر ضعفا و ایتم و ابن السبیل و فقراى بلد؛ دستگیری ضعفا و فقرا و عجزه^۱ و مساکین و ابناء السبیل^۲ و دفن اموات عموم مردم و غیره؛ اعانت زوار روضات متبرکه ائمه معصومین؛ امداد طلاب و محصلین و وقف کتب علوم دینی؛ اطعام و انفاق به سادات امدی العزوالاحترام^۳. روحانیون در مصارف خیریه موقوفاتشان مصادیق زیر را تعیین کرده‌اند: «مطلق خیرات و صدقات و اعانت فقرا» (اداره اوقاف ساری، اسناد کلاسه ۱/۱۹؛ ۱۹/ر)؛ «مطلق خیرات از اعانت زوار و طلاب و فقرا و ضعفا و عجزه و مساکین» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/۸)؛ «مطلق خیرات و مبرات، هرچه را که سبیل خیر صدق می‌کند از قبیل اعانت زوار روضات متبرکه ائمه معصومین و امداد طلاب و محصلین و دستگیری ضعفا و فقرا و عجزه و مساکین و ابناء السبیل و دفن اموات و غیر این»؛ «آنچه را که سبیل خیر و طاعت صدق نماید ذکر^۴ لم یذکر» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۶/۸)؛ «اعانت فقرا و تجهیز موتی^۵ و اعانت ابناء السبیل» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۱۵/ح)؛ «اعانت فقرا، ایتم، ابناء السبیل، عجانز^۶» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۳/ر). روحانیون واقف در این مقصودها رویکردی خویشاوندمحور، محله‌محور و یا شهرمحور نداشته‌اند.

تجار در تعیین مصارف خیریه موقوفات خود، علاوه بر مصادیقی که همانند روحانیون برمی‌گزیدند، در مواردی رویکرد خیریه موقوفاتشان را در جهت کمک به سادات، هم‌محله‌ای‌ها، هم‌شهری‌ها و خویشاوندانشان سمت‌وسو می‌دادند. برای نمونه در سندی وقفی این چنین آمده است: «قسمت دوم، برای روز عید غدیر جهت آقایان عظام و سادات؛ قسمت سوم، برای کفن و دفن اموات؛ قسمت چهارم، جهت لباس عیدی از برای فقرا از ارحام واقف؛ قسمت پنجم، جهت عید سلطانی برای سادات و آقایان عظام اهل محله و ساری؛ قسمت ششم، جهت طلاب و آقایان کربلا و نجف که اهل ولایت باشند مخصوصاً سادات؛ و قسمت هفتم، نان یا برنج برای فقرا از ارحام واقف در ماه مبارک رمضان» (اداره اوقاف ساری، سند کلاسه ۲۲/الف).

۶.۲. مقایسه نوع اموال وقفی روحانیون و تجار

موقوفات روحانیون ساری در عهد قاجار از حیث اموال عبارت‌اند از: زمین ۲۱ مورد (۴۹ درصد)، منزل مسکونی ۱۱ مورد (۲۵ درصد)، دکان ۶ مورد (۱۴ درصد) و باغ ۵ مورد (۱۲ درصد). درصد اموال وقفی تجار با توجه به ویژگی‌های طبقه اجتماعی آن‌ها، با درصد اموال وقفی روحانیون متفاوت است و عبارت است از: زمین ۱۰ مورد (۳۲

۱. ناتوانان و ضعیفان؛ جمع عاجز.

۲. جمع ابن السبیل و به معنی راهگزیان.

۳. مردم کاروانی که در زادبوم خویش توانگر و

اکتون در سفر بی‌برگ و درویش مانده‌اند.

۴. امدی: بزرگترین و اعلا و ابعد در عزت و

مرتب و بزرگی

۵. موتی /mo[w]tā/ جمع میت.

۶. ناتوانان و ضعیفان؛ پیرزنان.



درصد)، منزل مسکونی ۲ مورد (۶ درصد)، دکان ۱۲ مورد (۳۸/۵ درصد)، کاروان سرا ۴ مورد (۱۳ درصد)، باغ ۳ مورد (۱۰ درصد).

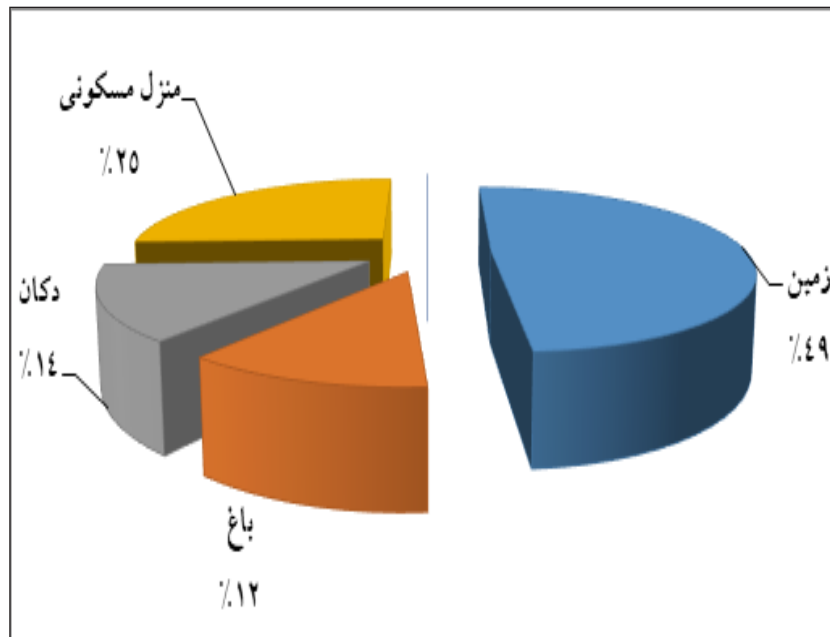
| جدول شماره ۸: نوع و تعداد اموال وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار | | | | | | | |
|---|----------|------|-------------|--------------|------------|-----|--------|
| ردیف | طبقه | زمین | منزل مسکونی | دکان (مغازه) | کاروان سرا | باغ | جمع کل |
| ۱ | روحانیون | ۲۱ | ۱۱ | ۶ | ۰ | ۵ | ۴۳ |
| ۲ | تجار | ۱۰ | ۲ | ۱۲ | ۴ | ۳ | ۳۱ |

جدول ۸

نوع و تعداد اموال وقفی روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

این اطلاعات نشان می دهد که درصد اموال وقفی واقفان، باتوجه به نوع کار و حرفه آنان، متفاوت بوده است؛ یعنی بیشترین درصد اموال وقفی تجار را باتوجه به نوع شغلشان دکان (مغازه) تشکیل می دهد؛ در مقابل، روحانیون نیز باتوجه به حرفه شان که عمدتاً جزو زمین داران محسوب می شده اند، بیشترین درصد اموال وقفی شان را زمین تشکیل می دهد (نک: نمودارهای شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴).

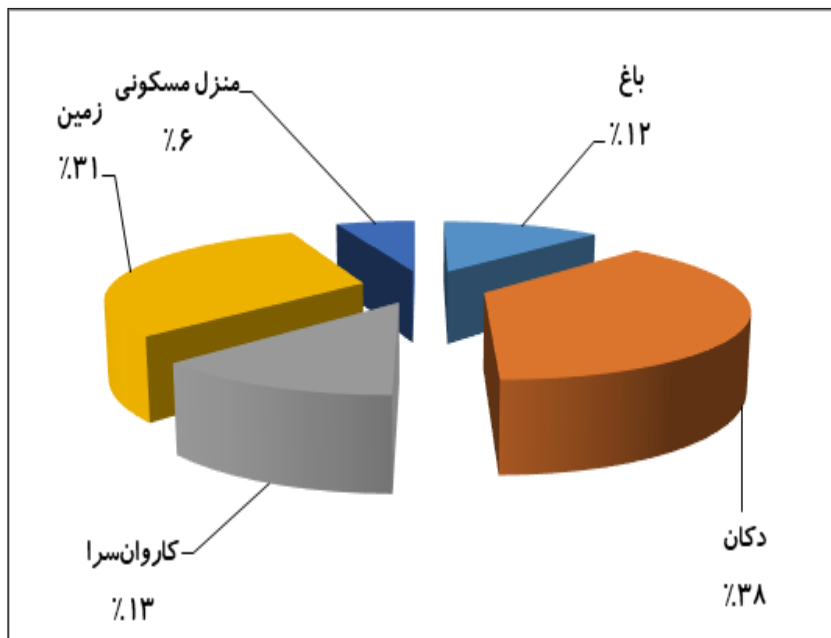
۱. بعضی از واقفان در یک وقف نامه بیش از یک مال را وقف کرده اند؛ بنابراین تعداد اموال وقفی بیشتر از تعداد موقوفات است.



نمودار ۱۲

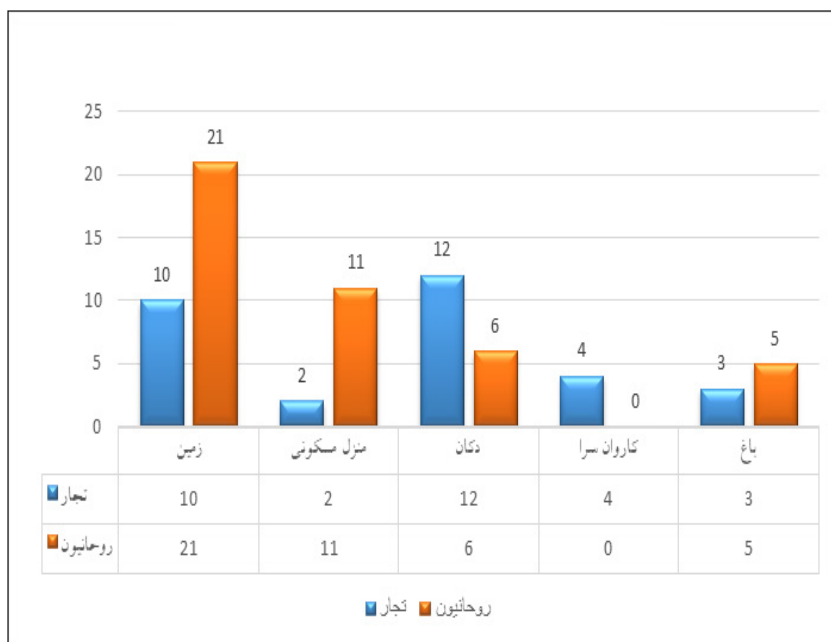
اموال وقفی روحانیون





نمودار ۱۳

اموال وقفی تجار

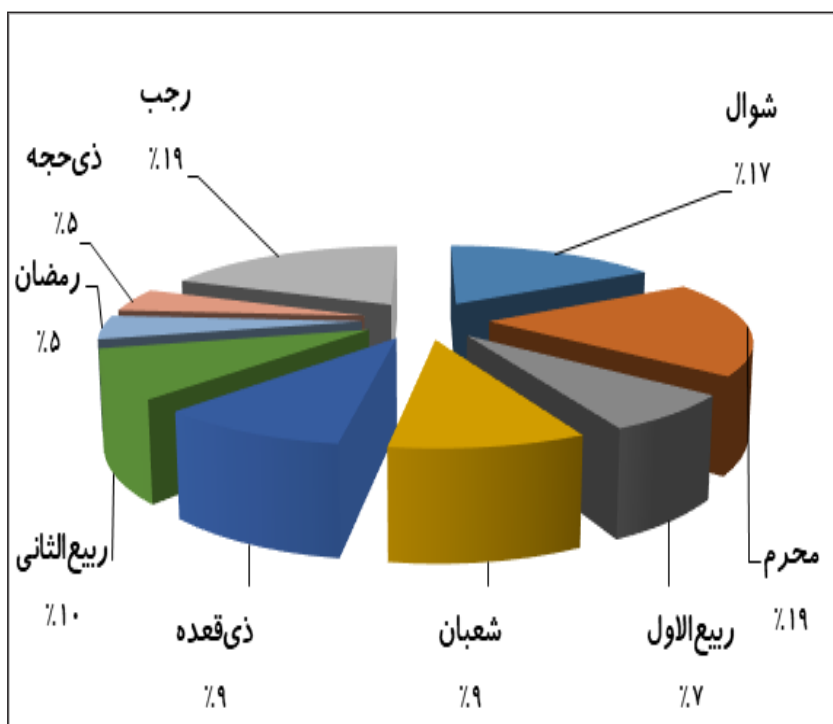


نمودار ۱۴

نمودار مقایسه ای اموال وقفی
روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار

۶.۳. مقایسه ماه‌های قمری ثبت وقف روحانیون و تجار

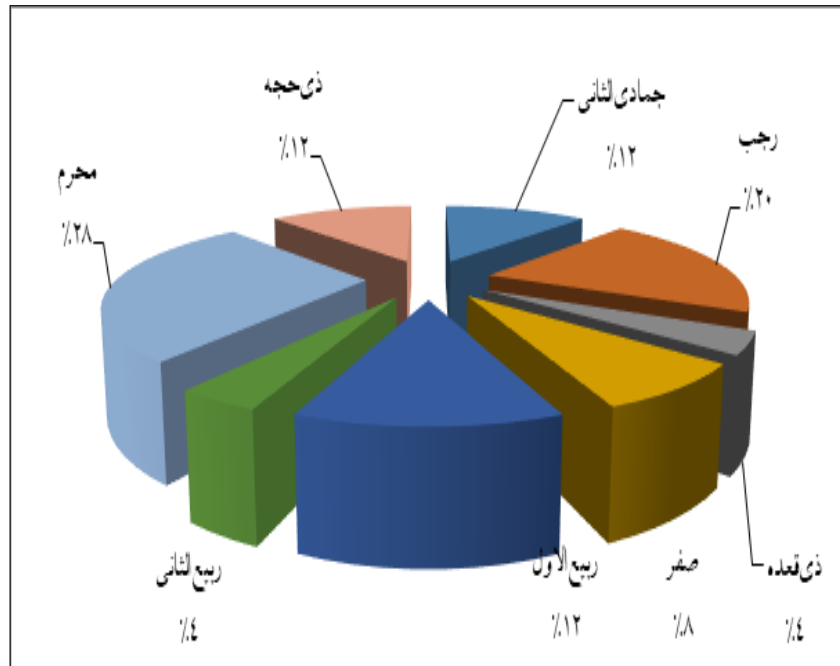
بیشترین وقف‌های روحانیون در ماه‌های محرم و رجب هرکدام با ۸ مورد (۱۹ درصد) بوده‌است؛ سپس بیشترین وقف در ماه شوال با ۷ مورد (۱۷ درصد) ثبت شده‌است. هم‌چنین، ماه‌های ذی‌حجه و رمضان هرکدام با ۲ مورد (۵ درصد) جزو ماه‌هایی هستند که کمترین وقف‌های روحانیون در آنها ثبت شده‌است. بیشترین وقف‌های تجار نیز همانند روحانیون، در ماه‌های محرم با ۷ مورد (۲۸ درصد)، و رجب با ۵ مورد (۲۰ درصد) ثبت شده‌است و صفر با ۲ مورد (۸ درصد) و ذی‌قعدة و ربیع‌الثانی هرکدام با ۱ مورد (۴ درصد) ماه‌هایی هستند که کمترین وقف تجار در آنها انجام شده‌است. وجود مناسبت‌هایی چون شهادت امام سوم شیعیان حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) در ماه محرم و عید میلاد امام اول شیعیان و بعثت پیامبر اسلام در ماه رجب احتمالاً موجب افزایش تمایل روحانیون و تجار برای ایجاد وقف در این ماه‌های قمری شده‌است (نک: نمودارهای شماره ۱۵، ۱۶، ۱۷).



نمودار ۱۵

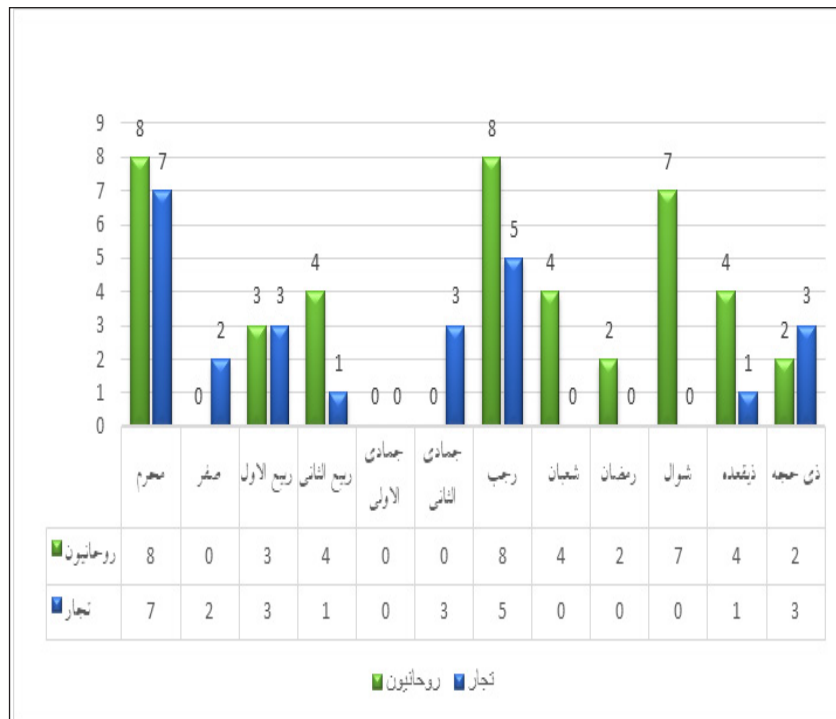
ماه‌های قمری ثبت وقف روحانیون





نمودار ۱۶

ماه های قمری ثبت وقف تجاری



نمودار ۱۷

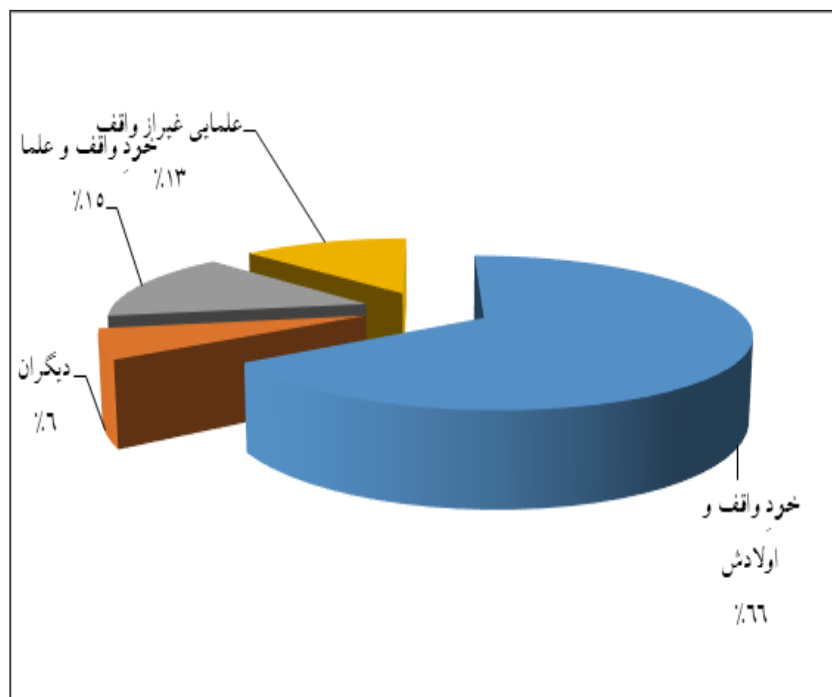
نمودار مقایسه ای ماه های قمری
ثبت وقف

۶.۴. مقایسه تولیت موقوفات روحانیون و تجار

مدیریت (تولیت) موقوفات روحانیون ساری در دوره قاجار، به این صورت بوده است که در ۶۶ درصد از موقوفات، تولیت به واقف و اولادش واگذار شده و در ۱۵ درصد از موقوفات تولیت به خود واقف و علما سپرده شده است. در ۱۳ درصد از موقوفات علمایی غیر از واقف به تنهایی به عنوان متولی انتخاب شده اند و تنها مدیریت ۲ درصد از موقوفات روحانیون، به دیگران واگذار شده است. تجار در ۸ درصد از موقوفاتشان، تولیت را برای خودشان در نظر گرفته اند؛ آن‌ها در ۵۰ درصد از موقوفات، ابتدا تولیت را به خودشان و سپس به اولادشان سپرده اند؛ هم‌چنین در ۳۴ درصد از موقوفات، تولیت را به خودشان و اولادشان و سپس علما واگذار کرده اند؛ در ۴ درصد از موقوفات نیز، تولیت را به اولادشان و علما داده اند؛ و در ۴ درصد دیگر، تولیت را به تنهایی به علما واگذار کرده اند (اداره اوقاف ساری، اسناد کلاسه الف/۴؛ م/۸؛ ع/۲۰؛ ج/۱؛ ن/۲۰).

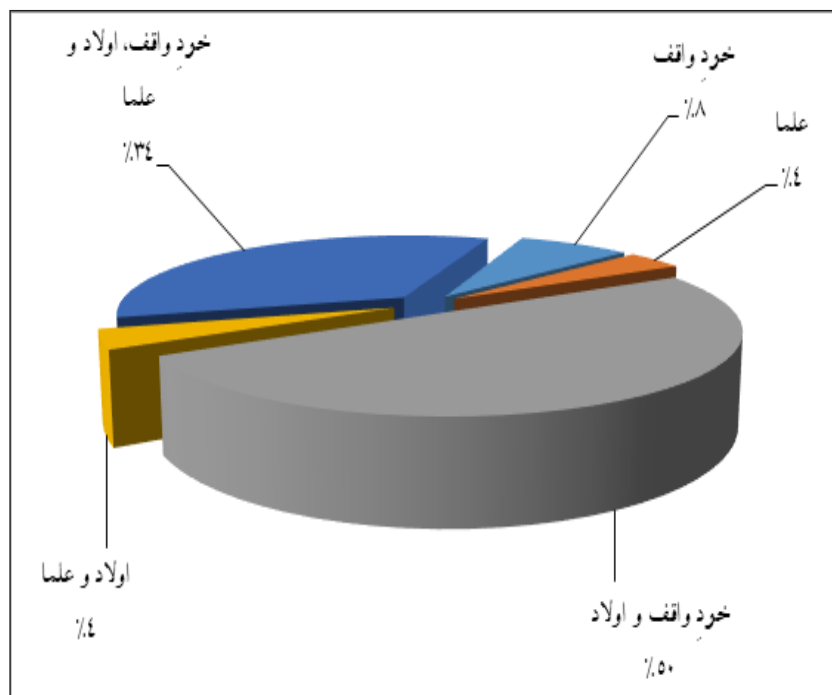
باتوجه به این که در اکثر موارد، واقف خود تولیت موقوفه را برعهده می‌گرفت و این تولیت بعد از او به فرزندانش منتقل می‌شد، نوعی شیوه اداره فردی و خانوادگی در زمینه موقوفات رواج داشت. در متن اسناد وقفی، با در نظر گرفتن احتمال مرگ واقف و یا انقراض نسل او یا فرزندانش، تلاش شده است تا موقوفه بدون متولی یا ناظر باقی نماند. در این راستا، در بسیاری از اسناد ذکر شده است که در صورت انقراض احتمالی نسل فرد واقف، تولیت موقوفه برعهده چه کسی خواهد بود. مدیریت خانوادگی و غیرمتمرکز و منفرد موقوفات در این دوره، نشانه نبود ساختارهای اداری مناسب در حکومت برای اداره موقوفات بوده است؛ بنابراین واقفان که عمده سعی و مساعی‌شان بر حفظ و نگهداری موقوفه‌شان بوده است، بیشتر به شیوه اداره فردی و خانوادگی اوقاف روی آورده اند (نک: نمودارهای شماره ۱۸، ۱۹، ۲۰).





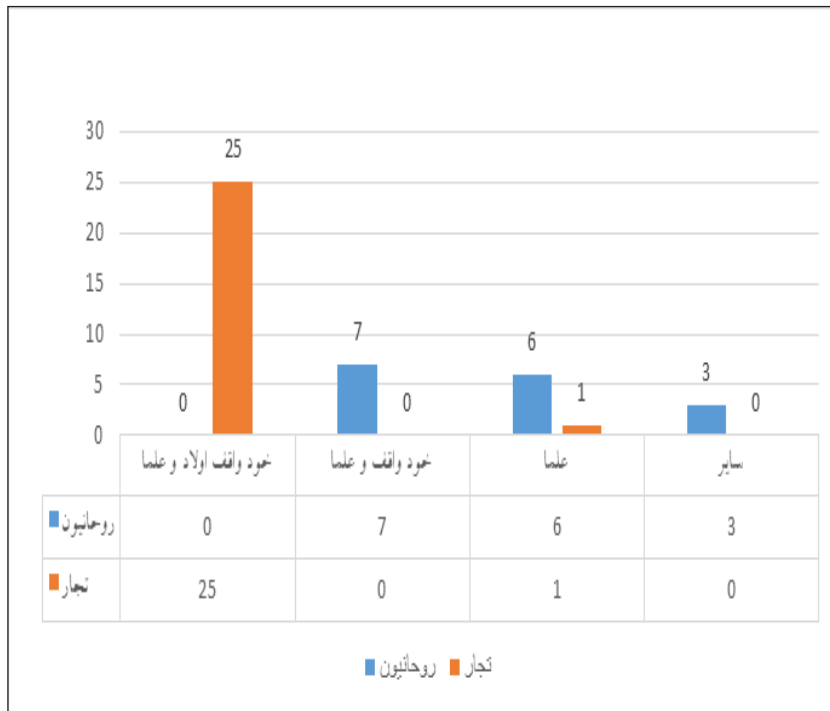
شماره ۱۸

شماره تولید موقوفات روحانیون
ساری در دوره قاجار



شماره ۱۹

شماره تولید موقوفات تجار ساری در
دوره قاجار



فودار ۲۰

فودار مقایسه ای متولیان موقوفات

نتیجه‌گیری

وقف به‌عنوان نهادی سنتی همواره از فضای سیاسی، اقتصادی و مذهبی ادوار مختلف تاریخ ایران متأثر بوده‌است. در دوره قاجار و تا پیش از سلطنت ناصرالدین شاه طبقاتی چون شاهزادگان، زمین‌داران، درباریان، صاحب‌منصبان و مقامات، روحانیون و تجار که به‌طور سنتی جزء واقفان ادوار مختلف تاریخ ایران بودند، به‌دلیل فقدان فضای آرام سیاسی و بستر مناسب اقتصادی چندان به سنت وقف توجه نداشتند؛ ولی ثبات سیاسی و رونق اقتصادی دوران سلطنت ناصرالدین شاه اسباب توسعه و رشد نهاد وقف را فراهم کرد. رشد نهاد وقف در دوران بعد از حکومت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت قاجار نیز با روند کاهشی ملایمی ادامه یافت.

روحانیون و تجار ساری در دوره قاجار متأثر از فضای سیاسی، مذهبی و اجتماعی زیست‌بومشان و نیز اندیشه‌های حاکم بر ذهن طبقه اجتماعی‌شان موقوفات متعددی را با انواع و مصارف خاص خودشان ایجاد کردند. شرایط طبقاتی سبب شد که نوع اموال موقوفه روحانیون عمدتاً از جنس زمین و اموال موقوفات تجار بیشتر از جنس دکان باشد. در تعیین مصارف موقوفات، وابستگی طبقاتی تأثیری معنادار نداشته‌است و مصارف

موقوفات روحانیون و تجار مشابه بود و از اندیشه‌های جدید ترقی خواهانه این دوره تأثیر پذیرفت. تعداد موقوفات هر دو طبقه روحانیون و تجار در دوره ناصرالدین شاه افزایش پیدا کرد؛ ولی با شکل‌گیری حکومت مشروطه تعداد موقوفات روحانیون کاهش پیدا کرد و تعداد موقوفات تجار افزایش پیدا کرد. واقفان این دو طبقه متأثر از فضای مذهبی این دوره بیشترین وقف‌های خود را در ماه‌های قمری محرم و رجب ثبت کرده‌اند. شکل‌نگرفتن ساختار دیوان‌سالاری در این دوره سبب شد که واقفان هر دو طبقه موقوفاتشان را یا به صورت نظام خانوادگی و یا به صورت نظام علمایی اداره کنند.

منبع

اسناد

اسناد اداره اوقاف شهرستان ساری

اسناد کلاسه استفاده شده در مقاله:

۳/الف؛ ۴/الف؛ ۲۱/الف؛ ۲۲/الف؛ ۲۳/الف؛ ۱/چ؛ ۱۵/ح؛ ۳۶/ح؛ ۵/د؛ ۱/ر؛ ۳/ر؛ ۱۹/ر؛ ۸/ع؛ ۲۰/ع؛ ۲۱/ع؛ ۲/م؛ ۸/م؛ ۲۱/م؛ ۲۰/ن.

اسناد کلاسه مطالعه شده برای مقاله:

۲/الف؛ ۱۴/الف؛ ۲۷/الف؛ ۵۵/الف؛ ۳/پ؛ ۳/ح؛ ۵/ح؛ ۹/ح؛ ۲۱/ح؛ ۲۹/ح؛ ۴۳/ح؛ ۱۵/خ؛ ۱۰/د؛ ۱/ذ؛ ۵/ر؛ ۶/ر؛ ۷/ر؛ ۱۶/ر؛ ۱۴/ظ؛ ۵/ع؛ ۹/ع؛ ۵۱/ع؛ ۵۲/ع؛ ۱۳/ک؛ ۳/م؛ ۵/م؛ ۱۲/م؛ ۱۹/م؛ ۴۴/م؛ ۴۹/م؛ ۵۰/م؛ ۹۵/م؛ ۱۰۵/م؛ ۱۳۹/م؛ ۵/ن؛ ۲۲/ن؛ ۲۳/ن؛ ۳/ی.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپه سالار*. تهران: خوارزمی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان. (۱۳۶۸). *مرآت البلدان*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.

افضل الملک، غلام حسین. (۱۳۸۳). *سفر مازندران و وقایع مشروطه*. بی جا.

الگار، حامد. (۱۳۵۹). *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت*. (ج ۲). تهران: توس.

خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۳۳). *حقایق الاخبار ناصری*. (ج ۲). تهران: نی.

دالمانی، هانزی-رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (علی محمد فره‌وشی، مترجم). تهران: ابن سینا؛ امیرکبیر.

دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م*. (احسان اشراقی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رایینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۳). *مازندران و استرآباد*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.



رضایی، امید. (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۷۸). *وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات*. (ج ۱). شیراز: نوید شیراز.

ساروی، محمد فتح‌الله بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)*. (غلام‌رضا طباطبایی مجد، مصحح). تهران: امیرکبیر.

فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (ج ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). اصفهان: اشراقی.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۱). تهران: زوآر.

ملکم، سرجان. (بی تا). *تاریخ ایران*. (ج ۲). کتاب‌فروشی سعدی.

ملگونف، گریگوری. (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا سفرنامه نواحی شمال ایران*. (امیر هوشنگ امینی، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.

میرزاابراهیم. (۱۳۵۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مقاله

کشاورز، محمد. (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه‌های واقفان در شهر تهران؛ برپایه بازخوانی دو نمونه از وقف‌نامه‌های بازار دوره قاجار». فصل‌نامه *وقف میراث جاویدان*، سال ۱۷، ش ۶۸، صص ۱۰۰-۱۰۹.

لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۸۸). «وقف در ایران». (احمد نوایی، مترجم). *مشکوئه*، دوره ۲۸، شماره ۱، (پیاپی ۱۰۲)، صص ۷۷-۹۵.

مرادعلیان، لیلا. (۱۳۹۵). «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره ناصرالدین‌شاه». فصل‌نامه *آرشیو ملی*، سال ۲، ش ۳، (پیاپی ۷)، صص ۷۴-۱۰۱.

یدالله‌پور، معصومه؛ یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۸۸). «بررسی مسجد-مدرسه‌های وقفی «جامع» و «آقاعباس» در بافت مرکزی شهر آمل». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال ۱۹، ش ۳، (پیاپی ۷۵)، صص ۲۵-۵۲.

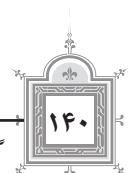
English Translation of References

Documents

Asnād-e Edāre-ye Owqāf-e Šahreštān-e Sāri (The documents of the Endowment Office of Sary City)

The classified documents used in the article

الف/4؛ الف/21؛ الف/22؛ الف/23؛ الف/1؛ چ/15؛ ح/36؛ د/3؛ 1/19؛ 3/19؛ ع/8؛ ع/20؛ الف/3؛ الف/21؛ م/21؛ م/20؛ ع/21؛ م/2؛ م/8؛ م/21؛ م/20 [Persian]



The classified documents studied to write the article

الف/14؛ الف/27؛ الف/55؛ پ/3؛ ح/5؛ ح/9؛ ح/21؛ ح/29؛ ح/43؛ خ/15؛ د/10؛ ذ/2؛
ر/5؛ ر/6؛ ر/7؛ ر/16؛ ر/14؛ ع/5؛ ع/9؛ ع/51؛ ع/52؛ ک/13؛ م/3؛ م/5؛ م/12؛ م/19؛ م/44؛ م/49؛
م/50؛ م/95؛ م/105؛ م/139؛ م/5؛ ن/22؛ ن/23؛ ن/3. [Persian]

Books

- Adamiyat, Fereidoun. (1385/2006). “*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e asr-e sepah-sālār*” (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1383/2004). “*Safar-e Māzandarān va vaqāye’-e mašruteh*” (The travelogue of Mazandaran and the constitutional revolution events). [n. p.]: n. p. [Persian]
- Algar, Hamed. (1359/1980). “*Naqš-e rowhāniyat-e pišro dar jonbeš-e mašrutiyat*” (The role of leading clergy in the constitutional movement) (2nd ed.). Tehran: Tus. [Persian]
- D’Allemaigne, Henry Rene. (1335/1956). “*Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri*” (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse, 1911-1290) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: A three-month journey in Persia, 1911-1290]. Translated by Ali Mohammad Faravashi. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- De Sercey, Conte. (1362/1983). “*Irān dar 1839-1840 AD*” (Une ambassade extraordinaire: la Perse en 1839-1840) [An extraordinary embassy: Persia in 1839-1840]. Translated by Ehsan Eshraghi. Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi (Iran University Press). [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1368/1989). “*Merāt-ol-boldān*” (The mirror of cities) (Vol. 2). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Flandin, Eugene. (1356/1977). “*Safarnāme-ye Ožen Flanden be Irān*” (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841] (3rd ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Esfahān: Ešrāqi. [Persian]



- Khormoji, Mohammad Jafar. (1363/1984). *“Haqāyeq ol-axbār-e Nāseri”* (Qajar history: Truthful Naseri news) (2nd ed.). Tehran: Ney. [Persian]
- Malcolm, Sir John. (n. d.). “Tārix-e Irān” (History of Iran) (vol. 2). Ketābforuši-ye Saḍi. [Persian]
- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1376/1997). *“Karāne-hā-ye jonubi-ye daryā-ye Xazar yā safarnāme-ye navāhi-ye šomāl-e Irān”* (Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens) [The southern shore of the Caspian Sea, or the northern provinces of Persia]. Translated by Amir Houshang Amini. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Mirza Ebrahim. (1355/1976). *“Safarnāme-ye Astarābād va Māzandarān va Gilān”* (The travelogue of Astrabad, Mazandaran and Gilan). Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Mostowfi, Abdullah. (1371/1992). *“Šarh-e zendegāni-ye man: Tārix-e ejtemā’ee va edāri-ye dowre-ye Qājārieh”* (The story of my life, or the social and ministerial history of Qajar era) (vol. 1). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1383/2004). *“Māzandarān va Astar Ābād”* (Mazandaran and Astrarabad). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Rezai, Omid. (1390/2011). *“Darāmedi bar asnād-e šar’ee-ye dowre-ye Qājār”* (Introduction to Shari’a documents from Qajar Iran). Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motāle’āt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- Riahi Samani, Nader. (1378/1999). *“Vaqf va seyr-e tahavvolāt-e qanun-gozāri dar mowqufāt”* (Endowment and the evolution of legislation in endowments) (1st ed.). Širāz: Navid-e Širāz. [Persian]
- Saravi, Mohammad Fathollah Ibn Mohammad Taghi. (1371/1992). *“Tārix-e Mohammadi: Ahsan-ot-tavāriḥ”* (Tarikh Mohammadi Ahsan Al-Tawarikh). Edited by Gholamreza Tabatabaei Majd. Tehran: Amir Kabir. [Persian]



Articles

- Keshavarz, Mohammad. (1388/2009). "Barresi-ye angize-hā-ye vāqefān dar šahr-e Tehrān; bar pāye-ye bāzxāni-ye do nemuneh az vaqf-nāme-hā-ye bāzār-e dowre-ye Qājār" (Investigating the motivations of waqifs in Tehran: Based on the re-reading of two samples of the Qajar period bazaar endowments). *Fasl-nāme-ye Vaqf-e Mirās-e Jāvidān*, 17(68), pp. 100 – 109. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1388/2009). "Vaqf dar Irān" (Waqf in Iran). Translated by Ahmad Navayi. *Meshkāt*, 28(1), (series no. 102), pp. 77 – 95. [Persian]
- Moradalian, Leila. (1395/2016). "Nahād-e vaqf va kār-kard-e ān dar dowre-ye Nāser-ed-din Šāh" (The institution of waqf and its function during the period of Naser al-Din Shah). *Fasl-nāme-ye Āršiv-e Melli* (National Archives Quarterly), 3(2), (series no. 7), pp. 74 – 101. [Persian]
- Yadollahpoor, Masoumeh; & Yousefifar, Shahram. (1388/2009). "Barresi-ye masjid-madrese-hā-ye vaqfi-ye "Jāme" va "Āqā Abbās" dar bāft-e markazi-ye šahr-e Āmol" (Conditions for the permanence of endowments in the chaotic situation of Iran's urban society (A study on two endowed mosque-schools in the center of Amol city)). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 19(3), (series no. 75), pp. 25 – 52. [Persian]

